



روایت‌هایی از دکتر جعفر نقیبی که همچنان نوغان ۶ با نام او شناخته می‌شود

## ماندگار در یادها

هم محلی

قانع از دکتر نقیبی به‌عنوان دکتر افسانه‌ای یاد می‌کند. پزشک عمومی که هر بیماری را با دست سبک‌ساز مداوا می‌کرد و مردم به او اعتقاد داشتند و حتی برای یک سردرد ساده هم پیش او می‌آمدند. دکتر که به گفته قانع بعد از او مثالش را نمی‌توان پیدا کرد و به وجود هم نخواهد آمد. قانع دلیل این تعریف‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «دکتر نقیبی را نمی‌توان به کسی مانند کرد یا کسی را با او مقایسه کرد. من هیچ‌گاه ندیدم که مریضی از در مطبش گریان و نالان یا ناامید بیرون بیاید. همه را به یک چشم نگاه می‌کرد. فقیر و غنی در طبابت یکی بودند. من خیلی وقت‌ها می‌شنیدم که از نیازمندان هزینه در مان نمی‌گیرد، بلکه هزینه‌های دوا و درمان بیشترشان را نیز می‌دهد. تا زمانی که زنده بود، من ندیدم همانند دکترهای دیگر خودرو و راننده داشته باشد. مغازه من روبه‌روی در مطبش بود و شاید باورتان نشود که بگویم با وجود داشتن ثروت، پیاده می‌آمد و پیاده هم به خانه باز می‌گشت. تا زمانی که پدر و مادرش زنده بودند، همین جازندگی می‌کرد، اما وقتی آن‌ها از دنیا رفتند، خانه‌اش را عوض کرد، اما مطبش را تغییر نداد. چند باری که دلیل ماندگاری‌اش در این محله را پرسیدم، می‌گفت هم او به مردم اینجا عادت کرده است و هم مردم به او. مطبش سر نوغان ۶ بود. ساختمانش هنوز هم هست و خراب نشده است. از همین کوچه به خانه پدری‌اش رفت و آمد می‌کرد و به همین دلیل مردم نام کوچه را دکتر نقیبی گذاشتند.»

### ● معرکه‌ای بعد از فوت دکتر

قانع از زمان فوت دکتر نقیبی نیز خاطراتی به یاد دارد و تعریف می‌کند: «تار وری که زنده بود نه پشت سر کسی بدگویی کرد و نه کسی پشت سرش بد می‌گفت. از زندگی شخصی‌اش کسی اطلاعی ندارد، چون زیاد اهل حرف زدن و تعریف کردن نبود. بیشتر عصرها از ساعت ۴ تا حدود ۸ شب به مطب می‌آمد و خیلی کم تعطیل می‌کرد. یک روز که در مغازه ایستاده بودم، متوجه شدم که خورشید غروب کرده اما دکتر نقیبی به مطب نیامده است. این آخر عمری خیلی آهسته‌راه می‌رفت. با خود گفته حتماً کاری پیش آمده است، اما دو، سه روز بعدش که قفل در مطب باز نشد، نه تنها من، بلکه سایر همسایه‌ها هم دیگر نگران شده بودند. جست‌وجو کردیم و متوجه شدیم همان روز که دکتر غیبت داشت، فوت کرده است. وقتی اهالی محله متوجه شدند، دم مطبش معرکه‌ای بود. همه شسیون وزاری می‌کردند، چراکه دستگیر مردم محله بود و جز خوبی نداشت.»

محله نوغان علاوه بر اینکه اتفاق‌های ریز و درشت زیادی را طی سال‌ها از سر گذرانده است، افراد صاحب‌نام زیادی را نیز به خود دیده است. افرادی چون دکتر نقیبی که مردم به پاس خدمات ارزنده‌ای که به محله نوغان داشته است، کوچه‌ای را به نامش کرده‌اند. نام‌گذاری کوچه و خیابان‌ها در گذشته با مصوبه و تصویب شهرداری و شورا صورت نمی‌گرفته است، اما چون از دل مردم کوچه و بازار برمی‌آمده، ماندگار می‌شده است. یکی از همین کوچه‌هایی که مردم نام‌گذاری کردند و هنوز هم به نام قدیمی آن خوانده می‌شود و به نام آن آدرس داده می‌شود، کوچه ششم نوغان است که به نام دکتر نقیبی است. دکتر محجوب که از خانواده‌ای خوش‌نام در محله نوغان برخاست و در همین خیابان هم طبابت کرد. در این شماره نگاه کوتاهی خواهیم داشت به زندگی این دکتر فرهیخته محله نوغان که قدیمی‌ها می‌گویند «دستش سبک بود.»

۵۸

منشادی

### ● پسر آشیخ نقیبی

جعفر نقیبی یکی از پسران روحانی خوش‌نام محله نوغان بود. مادرش خانه‌دار بود و از نظر کدبانویی برای زنان اهل محل نمونه و الگو بود. پدرش روحانی مسجد تپل محله بود. از همان سنین جوانی که مردم او را در کوچه و خیابان می‌دیدند، بسیار محبوب و سر به زیر بود. وقتی در رشته طبابت قبول شد و در سش را تا گرفتن مدرک ادامه داد، به گفته مردم نه خودش را گرفت و نه سلام کسی را بی جواب گذاشت. قبل از آنکه مدرکش را از دیوار مطبش آویزان کند، مردم او را پسر آشیخ صدا می‌کردند، اما بعدها دیگر او دکتر نقیبی شده بود با یک دنیا احترام و عزتی که مردم محله برایش قائل می‌شدند.

قانع، یکی از قدیمی‌ها و کسبه محله نوغان، این جملات را در وصف جعفر می‌گوید. از کسی که سال‌ها همسایه‌اش بوده و از او خیر و خوبی فراوانی دیده است: «دکتر نقیبی را همه در نوغان می‌شناسند و حتماً برای یک بار هم که شده، سری به مطبش زده‌اند. پدرش روحانی بود و در بین مردم خیلی خوش‌نام و با احترام بود. دکتر نقیبی هم پسر خیلی خوبی بود. من او را از جوانی‌اش به یاد دارم. البته سن من خیلی از او کمتر است. من وقتی شش، هفت سالم بود او جوانی رشید بود که مدرک طبابتش را گرفته بود.»

۶۶

ساختمانی  
که دکتر نقیبی  
در آن طبابت  
می‌کرد و دست  
نیازمندان را  
می‌گرفت هنوز  
در نوغان خراب  
نشده است

۶۶